

و نبردهای اسرائیل نیست. ولی حتی اگر جنگی هم در نگردد و وضعیت صرفاً بر لبه تنش باقی بماند، باز هم تداوم شرایط «نه جنگ، نه صلح» اداره کشور را دچار چالش جدی می‌کند و دولت را از پیشبرد برنامه‌های توسعه‌ای و اصلاحی خود و حتی رفع مسائل روزمره بازمی‌دارد؛ آن هم دولتی که برخلاف ادعای کیهان، نه اسبی زین شده از دولت قبل به ارث برده؛ بلکه با شرایطی مواجه است که روحانی آن را زمان آغاز به کار خود در سال ۱۳۹۲ سخت‌تر می‌داند. زمانی که روحانی دولتی را از محمود احمدی‌نژاد تحویل گرفته بود که با تحریم‌های شورای امنیت سازمان ملل در خارج و بالاترین سطح نزاع بین‌بخش سیاسی پس از انتخابات ۱۳۸۸ در داخل درگیر بود. با این حال، روحانی آن شرایط را به دشواری موقعیت کنونی پزشکیان و دولت چهاردهم نمی‌داند؛ سخنی که از سوی او، به‌عنوان عالی‌ترین مقام دولت در سال ۱۳۹۲ که با گوشت و پوست‌اش میراث احمدی‌نژاد را درک کرده، قابل تأمل و شنیدنی است.

اما چرا و چگونه روحانی شرایط آغاز به کار پزشکیان را از دوران خود دشوارتر می‌پاید؟ در سطح داخلی، احتمالاً اینکه احمدی‌نژاد هر میراثی برای روحانی به جا گذاشت؛ دست کم این ویژگی را داشت که در دو سال آخر دولت‌اش در نزد بلوک قدرت به مهره‌ای سوخته و «سرحلقه انحراف» فرو کاسته بود. از این‌رو، زبان روحانی و حتی دیگر نامزدهای انتخابات ۱۳۹۲ در نقد و نفی وضع موجود باز بود و او پس از تشکیل دولت خود هم، می‌توانست آنچه واقعاً به ارث برده، اعلام کند و دست‌کم تا دو سال

وضعیت کشور در آستانه شروع به کار دولت چهاردهم هم‌زمان شده با بازگشت ترامپ و جنگ گسترده اسرائیل با فلسطین و لبنان. تحلیل تان درباره وضعیت امروز و آنچه پیش روی پزشکیان است؛ چیست؟

محمود واعظی: کشور به دلیل درگیری‌های خاورمیانه، غزه، لبنان و اتفاقاتی که در وعده صادق ۱ و ۲ رخ داد امنیتی‌تر شده است. در همان روز تحلیلی که با ترور شهید هنیه مواجه بودیم، وضعیت به سمتی رفت که دولت از مسیری که در رابطه با برنامه‌های خود در نظر گرفته بود، کمی فاصله گرفته و عملاً باعث شد مسائل امنیتی تأثیرگذار باشد. چند بار دلال تحت تأثیر همین اتفاقات غیراقتصادی قرار گرفت و به دلیل مسائل امنیتی افزایش قیمت داشت. این موضوعات یکی از فشارهایی بود که دولت پزشکیان در ماه‌های اول روی کار آمدن تحمل کرد و دوران سختی هم هست و طبیعی است که اداره کشور در این شرایط سخت‌تر از وضعیت دولت در سال ۹۲ بود.

جهانبخش خانجانی: بنا نداشتیم در رابطه با این موضوع صحبت کنیم چرا که به بعضی از تصمیم‌گیری‌ها و تصمیم‌سازی‌ها نقد دارم و در عین حال بعضی از کارها را مثبت و مفید می‌دانم. در شرایط مختلف باید تصمیم‌های متفاوتی گرفته شود. در عرصه سیاسی حرف مرد یکی نیست، اتفاقاً در عرصه سیاسی و تصمیم‌سازی حکومتی، باید به فراخور شرایط و مسائلی که در منطقه و جهان وجود دارد تصمیم‌سازی‌ها و تصمیم‌گیری‌های متعددی گرفته شود. آقای پزشکیان یک انتخاب مناسب برای حکومت و مردم بود. هم حاکمیت از انتخاب آقای پزشکیان متعجب شد، چون فضای کشور به سمتی می‌رفت که مقبولیت حکومت در بخش‌های مختلف زیر سؤال رفته بود و مردم به شدت ناراحت بودند. تأیید آقای پزشکیان و انتخاب آقای پزشکیان برای حکومت یک انتخاب عاقلانه و خردمندانه بود و به نظر من هر کسی در هر سطحی در این تصمیم‌سازی نقش داشته، باید به او آفرین گفت. دولت آقای پزشکیان برعکس شعاری که «اسب‌زین‌شده» را تحویل آقای پزشکیان دادیم یک جامعه و اقتصاد مخروبه و ویران را تحویل آقای پزشکیان دادند. نمونه آن مشکلی است که در نیروی برق و خاموشی‌ها وجود دارد و حاصل بی‌تدبیری وزارت نفت است که به راحتی سوخت گازرویل ذخیره پالایشگاه‌ها و نیروگاه‌ها را فروخته‌اند. اخباری مبنی بر این است که مازوت کافی هم در اختیار نیروگاه‌ها نیست. با این وجود در حال حاضر در مخازن دچار کمبود سوخت نیروگاه هستیم و مجبوریم برای نوسازندن مازوت به قطعی برق تن بدهیم. این شرایط حاکی از آن است که دولت آقای پزشکیان با یک بحران فزاینده اقتصادی مواجه است و اگر بخواهد مشکلات کشور را حل کند، باید تصمیم جدیدی بگیرد و آن تصمیم جدید در ارتباط با انتخابات آمریکا و با رفتارهای جهانی نیست. به نظر من ما باید در حوزه مسائلی بین‌المللی یک مقدار تجدیدنظر کنیم. به هر حال ما نمی‌توانیم تا ابد در منطقه در سبزه با برخی از حکومت‌ها باشیم. ما باید به سمت یک صلح آبرومند و در عین حال حافظ منافع ملی کشور پیش برویم. ضمن آنکه باید عزت و مصلحت کشور نیز حفظ بشود. به نظر، ما در مواجهه با موضوع اسرائیل نیاز داریم که بر اساس رویکردهایی که وجود دارد و شرایط منطقی و رفتارهایی که رژیم اشغالگر انجام می‌دهد تصمیم‌گیری کنیم اما مبتنی بر منافع ملی. ما باید از نگرش احساسی به مقوله فلسطین و اسرائیل دور شویم و به نوعی بر مبنای منافع ملی و مصلحت عمومی کشور موضوع فلسطین و اسرائیل را دنبال کنیم و به سمتی برویم که جامعه جهانی و جامعه مسلمان آن را می‌پسندند. از سوی دیگر از جهتی می‌شود بهتر با ترامپ وارد مذاکره شد. تاکنون این روابط با واسطه میانجی برقرار شده و در جاهایی به نفع ما بوده است اما هیچ ضرورتی ندارد و برای حفظ امنیت کشور، منافع ملی و اقتصاد کشور ضرورت دارد که ما پارادایم جدیدی را در روابطمان با جهان شروع کنیم. اما این به معنای شکست در اندیشه نیست. تمام دولت‌ها و کشورها مانند چین، آلمان، ژاپن و کشورهای اروپایی در سده اخیر در مقاطعی وارد یک پارادایم جدید گفت‌وگو و ارتباط با جهان شدند و منافع این رویکرد و پارادایم جدید در آینده کشورشان مشخص است. به نظر من باید در مواجهه با دولت آمریکا و به ویژه آقای ترامپ بر مبنای عقلانیت و حفظ منافع ملی حرکت کنیم.

حشمت‌الله فلاحت‌پیشه: من معتقدم ویرانه‌ای که آقای پزشکیان در سیاست خارجی تحویل گرفت، کمتر از ویرانی غزه نبود و مردم ایران هم از سیاست خارجی کشور ناراضی بودند و به همین دلیل یک ضلع مثلث انتخاباتی پزشکیان تنش‌زدایی در سیاست خارجی بود که در کنار دو ضلع دیگر یعنی اصلاحات اقتصادی و دفاع از آزادی‌های منتهی، قرار گرفته بود. آقای پزشکیان که روی کار آمد، عملاً ایران و اسرائیل در شرایط پیشانجنگی به سر می‌بردند و بسیاری از مؤلفه‌های سیاست خارجی ایران که سال‌ها برای آن هزینه شده بود، وارد فضای درگیری شده بود و هیچ میانجی‌ای در این جنگ وجود نداشت. تنها کانال ارتباطی محدود بین ایران و آمریکا تحت عنوان ابتکار عمان هم تعطیل شده بود. در عین حال ایران با برخی از کشورهای همسایه هم دچار تنش شده بود و معدود کشورهای عربی که به ظاهر بلخندی زنده، در چالش بین ایران و اسرائیل در عمل به تعهدات امنیتی خودشان به آمریکا و از آن طریق به اسرائیل عمل می‌کردند. دیگر اینکه روابط ایران با اتحادیه اروپا هم در یکی از بدترین شرایط خودش بعد از انقلاب به سر می‌برد؛ طوری که الان اگر ترامپ بخواهد از کارت مکانیسم ماشه اروپایی‌ها استفاده کند، حتماً دشواری‌های دوره اول خودش را ندارد. در چنین شرایطی، سرمایه‌گذاری خارجی در کشور به حداقل رسیده بود؛ به طوری که کشورهای مثل چین و روسیه که به عنوان متحد ایران معرفی شده بودند، بارها به خاطر منافع سیاسی و اقتصادی خودشان، ایران را دور زده بودند. این وضعیت بود که پزشکیان تحویل گرفت. من اعتقاد دارم ایشان و تیمش دچار یک اشتباه استراتژیک شدند و اشتباه این بود که برای اینکه بتوانند کابینه خود را تشکیل دهند، به جای پایبند بودن به وعده‌ای که با مردم بسته بودند (یعنی تغییر در سیاست خارجی)، آمدند ادبیات تداوم در سیاست خارجی را تکرار کردند. در حالی که ایشان می‌توانست با یک طرح جامع به سیاست خارجی ورود کند. البته بخشی از این به ساختار سیاسی در ایران برمی‌گردد.

نخست بخش مهمی از کمبودها و چالش‌ها را به آنچه از دولت قبل به او رسیده، ارجاع دهد که در بسیاری از موارد هم برای مخاطب جای پذیرش نداشت. نطق‌های صریح روحانی چه در زمان انتخابات و چه در مقام ریاست جمهوری علیه احمدی‌نژاد حامیان او، عملیاتی از موتورهای محرکه دولت دوازدهم بود که به تقویت انسجام و تشجیع حامیان او کمک می‌کرد و در عین حال، توجیه لازم برای دعوت به صبر و کاهش سطح انتظارات جامعه را در اختیار دولت قرار می‌داد. این در حالی است که مسعود پزشکیان دولتی را به ارث برده که از یک‌سو، هیچ‌گاه عملکرد و مواضع آن به صورت علنی از سوی بلوک اصلی قدرت مورد نقد و رد قرار نگرفت و از سوی دیگر، شکل درگذشت رئیس آن، کلیت دولت را در هاله‌ای قدسی قرار داده است که زیر سوال بردن عملکرد آن از سوی مقامات دولت جدید با همه گسترده تبلیغاتی و حتی برخورد فشار سیاسی همراه می‌شود. چنان که در هفته‌های اخیر، موضوعاتی عینی همچون سامانه آرد و نان، میزان مسکن ساخته‌شده و مهمتر از همه، وضعیت مخازن سوخت خودروها و نیروگاه‌ها در زمان تحویل دولت، از موضوعی فنی و آماری به سطح «تخریب دستاوردهای رئیس‌جمهور شهید» ارتقا می‌یابد. چنین است که دست‌های پزشکیان و دولت‌مداران او در سال ۱۴۰۳ بر خلاف روحانی در سال ۱۳۹۲ حتی برای بیان و گزارش وضعیت آنچه از دولت قبل تحویل گرفته، بسته است؛ چه رسد که بخواهد عملکرد دولت قبل و وزرا و مسئولان آن را زیر سوال ببرد و برخی که به قول سید ابراهیم رئیسی «ترک فعل» کرده‌اند، برای بررسی پرونده و تخلفات و کم‌کاری‌هایشان به دستکاف قضایا معرفی کنند.

اما این، تنها دشواری پزشکیان ۱۴۰۳ در قیاس با روحانی ۱۳۹۲ نیست. او اگر در داخل با محدودیت نقد دولت قبل و میراث آن مواجه است؛ در سطح خارج خود را با ستیزه‌جویی نامحدود درگیر می‌بیند. این نیروی ستیزه‌جو، نتانیاوو متحدان جنگ‌طلب و راست‌رادیکال حاکم بر اسرائیل است که به نوعی، فضای پس از هفتم اکتبر را فرصت و امکانی برای بقا و تثبیت خود در قدرت و فراتر از آن، تحقق رویاهای بزرگ آخرالزمانی‌اش می‌بیند و می‌کوشد میان آن با ایده «خاورمیانه جدید» آمریکا نیز پیوند برقرار سازد. این در حالی است که روحانی در سال ۱۳۹۲ نه با ستیزه‌جویی چون نتانیاوو که با سیاستمدار مداراجویی چون باراک اوباما مواجه بود و مهمتر اینکه، برای حل مسئله تحریم حداکثر باید تابیوی مذاکره با آمریکا را می‌شکست که حداکثر در ادبیات انقلابی «شیطان بزرگ» بود و نه چون اسرائیل که موجودیت آن، نامشروع خوانده می‌شود و نابودی آن در میان شعارها و آرمان‌های اصلی جای دارد. چنین است که در سطح خارجی، پزشکیان با چالشی بسیار پیچیده‌تر از روحانی در ابتدای کار خود مواجه است. این پیچیدگی چنان است که در شرایط کنونی، انتخاب ترامپ که مهمترین تهدید دولت روحانی بود که آن را زمین‌زد؛ به فرصت و امکاناتی برای کاهش تهدید اسرائیل و کم‌رنگ کردن خطر جنگ تبدیل شده است. گویس، ترامپ این‌بار نقش آن افعی جهنم را بازی می‌کند که آدمی از هراس مارهایی سمی‌تر و سهمگین‌تر به او پناه می‌برند. باید دید پزشکیان می‌تواند با راهبرد وفاق خود، کلیت ساختار سیاسی را برای اتخاذ چنین سیاستی همراه کند؟ اگر چنین شود؛ او حتی کاری بزرگ‌تر از روحانی در سال ۱۳۹۲ انجام داده است. این‌بار ایران نه از سایه جنگ که از کام جنگ باید خارج شود...

روحانی دولت دوازدهم را دولت مقاومت دانسته که توانست جلوی ترامپ و تحریم‌ها مقاومت کند. نظرتان درباره این گزاره چیست؟

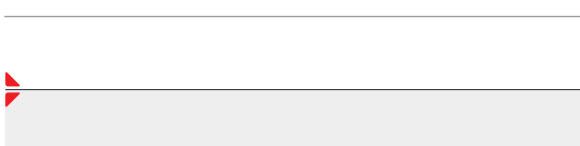
محمود واعظی: دولت دوم آقای روحانی در اوایل سال ۹۷ و زمانی که آقای ترامپ از برجام خارج شد و تحریم‌های گسترده‌ای را به ما تحمیل کرد، با یک فشار حداکثری هر آنچه را که توانست بر ما انجام داد و بنای دولت ترامپ نیز بر این بود که نظام را سرنگون کند و حتی یکی از مقامات عالی‌رتبه ترامپ اعلام کرد جمهوری اسلامی سالگرد جشن ۲۲ بهمن را نخواهد دید. خوشبختانه با توجه به برنامه‌ریزی‌هایی که دولت کرد و حمایت‌های مقام معظم رهبری و همراهی مردم عزیز، آن نقشه کلاً خنثی شد و هیچ‌کدام از هدف‌گذاری‌های آن در دست را که اعلام کرده بودند انجام نشد و با همه فشارهایی که آوردند، ما در این دوره هم از نظر تجهیزات و فناوری‌های هسته‌ای و هم از نظر فناوری‌های نظامی و دفاعی نیز پیشرفت قابل توجهی داشتیم و ما از فرصت تحریم حداکثر استفاده را کردیم و به هدف‌هایی که خودمان برای آن برنامه‌ریزی کرده بودیم، رسیدیم. به همین دلیل ایشان مطرح کردند آنچه که برای ما در دور دوم دولت مهم بود، این بود که بتوانیم روی پای خود بایستیم و خودکفایی را به او بچ برسانیم و تولید داخلی را بالا ببریم و با همه فشارها و تحریم‌ها، هم برای دور زدن دوره دولتش بگذرد ولی دولت آقای پزشکیان، به نظر من دولتی است که سعی کرد با شعار وفاق ملی از هر نوع چالش درونی بپرهیزد برای اینکه به آن مثلث انتخاباتی خودش بپردازد ولی نتیجه‌ای که تا الان شکل گرفته نشان می‌دهد که وفاق ملی چیزی جز عقب‌نشینی نبوده است. کسانی که به پزشکیان رای داده‌اند، شاید ناراحت باشند اما تحمل کرده‌اند که شاید با وفاق ملی بتوانند به اهدافش برسند.

حشمت‌الله فلاحت‌پیشه: دولت آقای روحانی خوب توانست انرژی انتخاباتی را به عرصه سیاست خارجی منتقل کند ولی همین که برجام به هم خورد، مثل کشتی‌گیری که بندش خالی کند، به یکباره در میانه مسابقه، بدن سیاست خارجی خالی کرد و من معتقدم بعد از آن آقای روحانی هیچ پلن آبی برای ادامه دولتش نداشت. دوران بعد از برجام، دورانی بود که با مخالفان، برجام در داخل مماشات می‌کرد تا دوره دولتش بگذرد ولی دولت آقای پزشکیان، به نظر من دولتی است که سعی کرد با شعار وفاق ملی از هر نوع چالش درونی بپرهیزد برای اینکه به آن مثلث انتخاباتی خودش بپردازد ولی نتیجه‌ای که تا الان شکل گرفته نشان می‌دهد که وفاق ملی چیزی جز عقب‌نشینی نبوده است. کسانی که به پزشکیان رای داده‌اند، شاید ناراحت باشند اما تحمل کرده‌اند که شاید با وفاق ملی بتوانند به اهدافش برسند.

تحلیل تان از آینده رویکرد دولت نسبت به این حجم از مشکلات چیست؟

محمود واعظی: مهمترین موضوع این است که باید برای اینکه منطقه آرام شود تلاش شود. دوم اینکه زندگی مردم از این حالت مسائل امنیتی که الان وجود دارد خارج شود و از طرف دیگر بتوانیم تحریم‌ها را برداریم، باید از وضعیتی که روابط بانکی ما دارد خارج شویم و بتوانیم به یک روابط بانکی معمولی برسیم. روابط ما با کشورهای مختلف دنیا باید عادی باشد که بتوانیم نفت را به قیمت روز بفروشیم و از هر نقطه‌ای از دنیا که می‌خواهیم کالاها را وارد و کالاهای خودمان را به بازارهای دنیا صادر کنیم. اینها می‌تواند شرایط رها و معیشت مردم را تغییر دهد. امیدوارم آقای دکتر پزشکیان همان برنامه‌هایی که برای برداشتن تحریم و حل مسائل بانکی و FATF وعده داده است را با کمک مجلس و مسئولین به پیش ببرد و موفق باشد.

جهانبخش خانجانی: دولت باید از شعار دادن و رفتارهای پوپولیستی دوری کند و اقتصاددانان و تکنوکرات‌هایی که مسلط به حل مشکل هستند را به خدمت بگیرد. در انتخاب اعضای کابینه گاهی احساس می‌شود که آقای پزشکیان باید تصمیمات سختی را بگیرد و از روبری‌بستگی و نگرش به هر حال خاص به افراد خاص دوری کند. بعد از رئیس‌جمهور، باید بخش‌های دیگر دولت از دفترشان، گرفته تا معاون اول، معاون اجرایی، کابینه و بخش‌های دیگر باید در یک راه حرکت کنند. اما متأسفانه در وجود این تمام‌کننده خلأ وجود دارد. اعضای کابینه ووزارتخانه همسوا با یکدیگر نیستند. این می‌تواند پاشنه آشیل دولت باشد. اگر رئیس‌جمهور در حوزه اقتصاد موضوعی می‌گیرد، باید تمام‌وزارت‌خانه‌ها همسوا ایشان حرکت کنند و وزرا در راستای تعهدی که رئیس‌جمهور به حامیانش و به مردم داده،



امنیت روانی مردم کمتر از ترور فیزیکی نیست

غلامحسین محسنی‌آزاه‌ای، رئیس قوه قضائیه طی سخنانی در نشست شورای عالی قوه قضائیه، با اشاره به ابعاد مختلف مقوله مهم «امنیت» گفت: «چنانچه امنیت نباشد، در سایر موضوعات از جمله «اقتصاد» نیز ضربه می‌خوریم؛ امروز دشمن در جبهه‌های مختلف برای برهم زدن امنیت داخلی و ایجاد ناامنی در کشور و ترور و اقداماتی از این دست، بیش از همه اوقات، در حال تلاش و توطئه است؛ اگرچه دشمن در نتیجه کوشش‌های همه مسئولان و نیروهای ذی‌صلاح، موفق به پیشبرد مقاصد شوم ضدامنیتی خود نشده است، اما در راستای تحکیم امنیت، باید تلاش خود را مضعاف کنیم؛ من در اینجا مجدداً از مجاهدت‌های همه نیروهای امنیتی، اطلاعاتی، نظامی و انتظامی تقدیر به عمل می‌آورم و تأکید می‌کنم که مقامات قضایی ذی‌ربط، حمایت کامل را از کلیه مدافعان امنیت به عمل آورند و پرونده‌هایی که در این راستا تشکیل می‌شوند را با نهایت دقت و سرعت، به سرانجام برسانند.» محسنی‌آزاه‌ای در ادامه به مقوله‌ی

مهم «امنیت روانی جامعه» پرداخت و گفت: «امنیت روانی جامعه نیز همان ارزش و اهمیت امنیت فیزیکی را دارد؛ در دهه نخست پیروزی انقلاب، دشمن و ایادی او، قبل از ترور فیزیکی افراد، مباردت به ترور شخصیتی می‌کردند و در جامعه به لحاظ روانی، التهاب ایجاد می‌کردند؛ امروز نیز دشمن بر روی برهم‌زدن امنیت روانی جامعه و ایجاد حواشی و مشغول کردن افراد به یکدیگر و غفلت از مباحث اصلی، سرمایه‌گذاری کرده است. برای خنثی‌سازی این توطئه دشمن نیاز به هوشیاری همه کارگزاران نظام و آحاد مردم است؛ برخی افراد از روی غفلت در زمین دشمن بازی می‌کنند و حتی گاهی به‌زعم خود، قصد خیر دارند و اما در اصل در نقشه دشمن بازی می‌کنند و موجبات برهم‌زدن امنیت روانی مردم را فراهم می‌آورند. علی‌احوال باید همه هوشیار باشیم؛ غفلت از مسائل اصلی کشور و پرداختن به حواشی، خواست و دستورکار دشمن است. گاهی یک موضوع که دغدغه مردم هم نیست به موضوع اصلی بدل می‌شود و در باب آن، نشست‌ها و جلسات برگزار می‌گردد، اما از مسئله اصلی کشور که اقتصاد است غفلت می‌شود؛ فلذا همه ما کارگزاران باید هوشیار باشیم.» رئیس قوه قضائیه تصریح کرد: «برخی از روی غفلت و یا اشتباه گرفتن مصادیق، در مسیری می‌افتند که موجب برهم‌زدن امنیت روانی جامعه می‌شود؛ این افراد را باید در مراتب نخست تا تذکر، تبیین، هشدار و انذار؛ آگاه و متنبه کرد و چنانچه این قبیل اقدامات تشریح نبودند، در نهایت دقت و سرعت، نسبت به آنها بر خورده‌ای قضایی را انجام داد. البته برخی نیز عمده‌ای عملی مرتکب می‌شوند و با حرفی می‌زنند تا امنیت روانی مردم و جامعه را بخدوش کنند؛ در قبال این افراد نیز قطعاً بر خورده مقتضی و قاطعانه قانونی و قضایی اعمال خواهد شد.»



در فیلترینگ دراز مدت هیچ فایده‌ای نیست

مهدی سنایی، معاون سیاسی دفتر رئیس‌جمهور با انتشار پیامی در شبکه اجتماعی ایکس، با اشاره به برآورد و جمع‌بندی یک پژوهش‌کننده معتبر داخلی، نوشت: «در فیلترینگ دراز مدت هیچ نتیجه و فایده‌ای نیست. این گزارش پژوهشی، فیلترینگ را عامل تشدید شکاف میان مردم و حکومت، قطبی کردن سیاسی جامعه و افزایش نارضایتی و تشدید مهاجرت به خارج دانسته و فقط فیلترینگ محدود، موقت و ندرت را موثر می‌داند.» سنایی در ادامه این پیام آورده است: «رشد جست‌وجوی محتوای غیراخلاقی در اینترنت نیز به طی سال‌های ۱۳۹۶، ۱۳۹۸ و ۱۴۰۱ ذکر شده است. در این پژوهش برای افزایش موثر و پایدار استفاده از پلتفرم‌های داخلی نیز راه‌هایی غیر از فیلترینگ توصیه می‌شود.» مسعود پزشکیان، رئیس‌جمهوری اسلامی در آخرین اظهارنظر خود درباره فیلترینگ گفت: «تا آخر پای حرف‌هایی که زده‌ام هستیم و به وعده‌های خود پایبند خواهیم بود. قطعاً در حال تلاش هستیم تا حرف‌هایی که زده‌ام در عمل پیاده کنیم.»